

کاری چنین بفرموده و باری بر این کوفی بر دل و جان خود نهاد
 و دایم در پیش زانوی تدبیر و تقوی نشسته و دل را معسر
 نتجات سجائی کودانیده تا از عالم غیب چه لطیفه روی نماید
 و این معامله کسی داند که در همه عمر بتدل چنین دردی کوفی
 نشه باشد و قدمی در کوی محبت نهاده باشد حال این کس داند
 کت شود خبری از بیان اهل درون بسا که بر رخ از دیکان بیاید
 دوی در دل زارم از طیب پیرس طیب حال درونی چه داند از بیرون
 دلی که عشق ندارد کجا خبر دارد که چیست حال دل زار عاشق محو
 نشسته در پیش زانوی محنت شب و روز بزیورند نامت دودستارده
 کسانیش نشد از جهل و سعی خویشندم قناده بر در لطف غایتی که نور
 بهر حال هست عالی کودانیده و امید ببلطف بی منهای او بسته
 و بهمت دوستان و عزیزان در کار آمده باشد که سبب شکوای
 هر دو جهان گردد هم نویسند و خوانند و شنوند آن شاه
قسم بیستم **فقه است** بدانکه فقه اصل دینست
 و میزان علمست و مدار جمیع اعمال برانست و در قرآن مجید
 فقه

فقه فرموده در حدیث مدح علمای فقه فرموده و اگر چه
 العلم مراد بنیاست اما اهل علم نیز داخل اند و علمای ربانی
 جماعتی باشند که علمهای دانسته و علمهای نادانسته بدست
 توانند آورد و بقوه نظر و بصیره و اجتهاد و استنباط آثار
 و جاهلی را در تعلیم و تربیت کشند تا دانا بی همچون خود را
 بخود کودانند چنانکه فقها و علما و صحابه مثل خلفاء راشدین
 و ابن عباس و عایشه رضی الله عنهم و غیر ایشان و علما را
 چون حسن بصری و امثال او و ائمه مجتهدین مثل امامان ائمه
 و امام شافعی و امام احمد و امام مالک رضی الله عنهم که
 ایشان بقوه نظر و بصیره و اجتهاد و استنباط از اصول
 نصوص آیات محکمات و احادیث و اخبار صحیح فروع
 و اصول و احکام فقه و مسایل و مذاهب پیروان آوردند و نهادند
 و تعلیم کردند فروعی که موافق اصول بود و در علل احکام و
 و مقتضای مناسبات و مؤجبات و مقتضیات و انشواصل
 باعتبار آن برفوع **چنانکه** از عبدالله عباس رضی الله عنه